

## بررسی رابطه تفکر انتقادی باهوش معنوی و میزان کارآفرینی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان مازندران

لادن سلیمی<sup>۱</sup>، سیدهاشم ساداتی کنتابی<sup>۲</sup>، فاطمه ابراهیمی مرمتی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>عضو هیات علمی و استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری.

<sup>۲</sup> دانشجوی ارشد برنامه ریزی آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

<sup>۳</sup> دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

نویسنده مسئول :

فاطمه ابراهیمی مرمتی

### چکیده

پژوهش حاضر باهدف بررسی رابطه تفکر انتقادی با هوش معنوی و میزان کارآفرینی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان مازندران انجام شده است که روش تحقیق مورد استفاده توصیفی از نوع همبستگی می باشد. جامعه مورد مطالعه کلیه دانشجویان دانشگاه فرهنگیان مازندران به تعداد ۲۳۸۰ نفر، و نمونه مورد مطالعه منطبق بر جامعه آماری بر اساس جدول کرجسی و مورگان برابر ۳۲۷ نفر می باشد. روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای بر اساس جنسیت انتخاب شد. ابزار مورد استفاده شامل پرسشنامه استاندارد مهارت های تفکر انتقادی کالیفرنیا فرم (ب)، پرسشنامه استاندارد هوش معنوی اسمیت (۲۰۰۵) و پرسشنامه استاندارد مارگ ریت هیل (۲۰۰۶) می باشد. به منظور تحلیل داده های آماری از آزمون همبستگی اسپیرمن و آزمون ناپارامتری یومان ویتنی استفاده شده است. یافته ها نشان داد: بین تفکر انتقادی با کارآفرینی و هوش معنوی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان مازندران رابطه معناداری وجود دارد. همچنین بین هوش معنوی و کارآفرینی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان بر حسب جنسیت تفاوت معناداری وجود دارد اما میزان تفکر انتقادی بین دانشجویان پسر و دختر دانشگاه فرهنگیان مازندران تفاوت معناداری وجود ندارد. در نهایت با توجه به پژوهش صورت گرفته افرادی که تفکر انتقادی بیشتری از خود نشان می دهند سطح بالاتری از هوش معنوی و کارآفرینی برخوردار هستند.

**کلیدواژه ها:** تفکر انتقادی، هوش معنوی، کارآفرینی

## مقدمه

مطالعات متفکران برنامه ریزی درسی نشان می دهند که در کلاس های درس اغلب سوال هایی که از دانش آموزان می شود تنها یک پاسخ درست دارد. هدف سوال نیز تحریک فکر فراگیرندگان نیست بلکه نوعی تمرین را برای آمادگی امتحان فراهم می کند و اغلب فراگیران حتی بدون فکر هم جواب سوال ها را از کتاب درسی بیرون می کشند (یزدان پناه، ۱۳۸۵).

با توجه به جوهر و گوهری که در انسان نهفته است و به کمک آن توسعه و پیشرفت تاریخ جوامع شکل گرفته است، در عصر جدید خرد ورزی مورد توجه بسیاری از عالمان قرار گرفته که با آن می توان سره را از ناسره تشخیص داد. اهمیت آموزش و پرورش در تربیت مدیران و متخصصان جامعه غیر قابل انکار و آموزش و پرورش حق هر انسانی در جوامع جدید است. به عقیده آرنز ارزش مدارس در تربیت انسان های فرهیخته نهفته است (برزگرو مکاران، ۱۳۹۸).

اساتید دانشگاه ها بخصوص دانشگاه های فرهنگیان باید با استقبال از نظرات و عقاید دانشجویان، زمینه شکوفایی استعدادها را فراهم کنند. دانشجویان با اظهار نظر و مطرح کردن خود اعتماد به نفس پیدا کرده و احساس خودارزشمندی خواهند کرد. دانشجویانی که سال های بعد جزء معلمان در حوزه تعلیم و تربیت قرار می گیرند (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۵).

عصر جدید، عرصه رقابت بر سر منافع و سرمایه هاست کشور های بزرگ صنعتی که فاتحان این عرصه اند بهره وری از منابع و سرمایه ها را در سرلوحه کار خود قرار داده اند و در پرتو وجود افراد تحصیل کرده و متخصص، چرخ های رشد و توسعه را به حرکت در آورده اند و به ابداعات و نوآوری هایی دست یافته اند. دسترسی به این نوآوری ها که اقتصاد کشورهای توسعه یافته را از نو زنده کرده است منوط به کار آفرینی است شان (۲۰۰۳) کار آفرینی را به این دلیل که جامعه را به سمت تغییرات تکنیکی و مبتکرانه سوق داده و باعث رشد اقتصادی می شود و همچنین چون کار آفرینی دانش جدید را به خدمات و محصولات جدید تبدیل می کند حائز اهمیت است (باقری و همکاران، ۱۳۹۷).

از طرف دیگر امروزه معنویت به عنوان مهم ترین جنبه انسانی در نظر گرفته می شود عدم شناخت معنای زندگی نیز باعث شده است معنویت بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد زیرا هوش منطقی و عاطفی برای شناخت معنای زندگی کافی نمی باشد بلکه باید از هوش که ماورای انواع هوش های معمول تر می باشد استفاده نمود. عدم تعهد به سازمان، دیر رسیدن به سر کار، عدم رفتار شهروندی و جوانمردی در محیط کاری نمونه هایی از عدم شناخت معنای زندگی در محیط کاری است که این هوش در قالب هوش معنوی شرح داده می شود (محمد داودی، ۱۳۹۷).

هوش معنوی با زندگی درونی ذهن و نفس و ارتباط آن با جهان رابطه دارد و ظرفیت فهم عمیق سؤالات وجودی و بینش نسبت به سطوح چندگانه هوشیاری را شامل می شود. آگاهی از نفس، به عنوان زمینه و بستر بودن یا نیروی زندگی تکاملی خلاق را در بر می گیرد (نوری ثمرین، ۱۳۹۵).

هوش معنوی به شکل هشیاری ظاهر می شود و به شکل آگاهی همیشه در حال رشد ماده، زندگی، بدن، ذهن، نفس و روح درمی آید. بنابراین هوش معنوی چیزی بیش از توانایی ذهنی فردی است و فرد را به ماوراء فرد و به روح، مرتبط می کند. علاوه بر این، هوش معنوی فراتر از رشد روانشناختی متعارف است. بدین جهت خودآگاهی شامل آگاهی از رابطه با موجود متعالی، افراد دیگر، زمین و همه موجودات می شود (سالاری، ۱۳۹۳).

هوش معنوی برای حل مشکلات و مسائل مربوط به معنای زندگی و ارزش ها مورد استفاده قرار می گیرد و سؤال هایی همانند «آیا شغل من باعث تکامل من در زندگی می شود؟» و یا «آیا من در شادی و آرامش روانی مردم سهمیم هستیم؟» را در ذهن ایجاد می کند. در واقع این هوش بیشتر مربوط به پرسیدن است تا پاسخ دادن، بدین معنا که فرد سؤالات بیشتری را در مورد خود و زندگی و جهان پیرامون خود مطرح می کند.

با توجه به مطالب یاد شده، پژوهشگر در پی این است که آیا بین تفکر انتقادی با هوش معنوی و میزان کارآفرینی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان مازندران رابطه وجود دارد؟

## مبانی نظری و پیشینه پژوهش

### تفکر انتقادی

برای تعریف تفکر انتقادی، از زوایای مختلفی می توان به آن پرداخت زیرا از ابعاد گوناگونی برخوردار است. از یک دیدگاه، تفکر انتقادی یعنی اندیشیدن و بررسی روند تفکر. به این صورت که شخص، در حال تفکر درباره موضوعی است و در جریان آن سعی دارد شیوه تفکری

خویش را بهبود بخشد. تفکر انتقادی تفکری است که به کمک آن شیوه تفکری شخص به نحو مؤثری تغییر می‌کند. این تغییر، ناشی از توانایی به کارگیری عناصری است که توسط آن فرد می‌تواند به ارزیابی تفکر خود بپردازد (لطفی و امینی، ۱۳۹۷). در تفکر انتقادی، خوب اندیشیدن مطرح است. خوب اندیشیدن یعنی اعمال قواعد بر تفکر به گونه‌ای که این قواعد بتوانند تفکر ما را به جانب کمال و کیفیت بیشتر سوق دهند. در واقع شیوه تفکر انتقادی این است که به تمام جوانب بپردازد. کاربرد آن حوزه‌های مختلفی را در برمی‌گیرد مانند: ارتباطات، حل مسائل، تفکر خلاق، آموزش جمعی و اعتماد به نفس؛ به عنوان مثال زمانی که با مسئله‌ای مواجه می‌شویم، برای حل آن و پیدا کردن راه حل مناسب می‌توانیم از شیوه تفکر انتقادگرا استفاده کنیم. در تفکر انتقادی، سؤال خوب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چراکه در شناخت مسئله و تجزیه و تحلیل اهداف بسیار کارگشاست. نتیجه این فرآیند گسترش راه حل‌های پیشنهادی برای حل مسئله است (شعبانی، ۱۳۸۲).

تفکر انتقادی فرآیندی است که در طی آن اطلاعاتی که از طریق مشاهده، تجربه، تعمق، استدلال و ارتباط به دست آمده دسته بندی، تحلیل و ارزیابی می‌شود. همچنین، اهداف، مسائل و یا موضوع مورد بحث، مفاهیم و برداشت‌ها، نتیجه‌گیری‌ها، دیدگاه‌های مختلف و چارچوب‌ها دوباره مورد بررسی قرار می‌گیرند. در این روش تفکری می‌بایست موضوعات و مقاصد گوناگون را در نظر داشت. تفکر انتقادی همواره دو مضمون زیر را در خود دارد:

- ۱- توانایی ارائه و پردازش یک سلسله اطلاعات و باورها
  - ۲- به وجود آوردن عادت به کارگیری این توانایی به منظور جهت‌دهی به رفتارها (سفیری و همکاران، ۱۳۹۵).
- تفکر انتقادی می‌تواند تحت تأثیر انگیزه‌ها تغییر کند. اگر این تفکر بر مبنای انگیزه‌های خودخواهانه به کار گرفته شود، نتیجه آن تغییر هنرمندانه عقاید به نفع شخص یا گروهی خاص خواهد بود. اما هنگامی که با دیدی منصفانه به کار گرفته شود، انسان را به مرتبه بالاتر عقلانی می‌رساند. هیچ فردی نمی‌تواند به صورت جامع و مطلق به تفکر انتقادی بپردازد، چراکه هر شخصی گاهی دست‌خوش بی‌منطقی فکری می‌شود (مارزینو و همکاران، ۱۳۸۰).

## چهار اصول تفکر انتقادی

- الف - تعریف توضیح تبیین نتایج تعیین دلایل مشروع مشاهده تعیین شباهت ها و تفاوت ها و موارد نامربوط.
- ب - طرح سولات مناسب - چرا؟ نکته اصلی چیست؟ کاربردش چیست؟ حقایق کدامند؟
- ج - قضاوت در مورد موثق بودن منبع - اظهار نظر فنی - عدم برخورد علایق - توافق بین منافع - اعتبار - شهرت - عادت - توانایی استدلال
- د - حل مسئله و ترسیم نتایج - استنتاج و تعیین روانی - استنتاج و تعیین نتایج - پیش بینی شروط محتمل (برزگروهمکاران، ۱۳۹۸).

## مؤلفه های تفکر انتقادی

بر اساس مبانی نظری، مؤلفه های تفکر انتقادی عبارتند از :

- ۱- کنجکاوی اندیشمندانه ۲- گستردگی فکر (ذهن باز) ۳- تعریف و شفاف سازی مسأله ۴- بررسی دقیق افکار و عقاید ۵- شک گرایی معقول ۶- پذیرفتن احتمالات نوین ۷- استدلال کردن ۸- تجزیه و تحلیل ۹- ارزیابی مدارک، شواهد و اظهارات ۱۰- هنر اندیشیدن در باره تفکر خود ۱۱- قضاوت صحیح (مبتنی بر ملاک) (شعبانی، ۱۳۸۷).

## هوش معنوی

هوش معنوی را مجموعه‌ای از ظرفیت‌های ذهنی که به هوشیاری، یکپارچگی و کاربرد انطباقی جنبه‌های معنوی و جهان مافوق وجودی شخص، کمک کرده و منجر به خروجی‌هایی مثل تفکر وجودی عمیق، افزایش معنا، شناسایی عالم مافوق و سلطه حالت های معنوی می‌شود، تعریف نموده است (رستمی و همکاران، ۱۳۹۲).

از طرفی کارآفرینی فرآیند تبدیل ایده نو به محصول یا خدماتی است که از نتایج آن می‌توان به افزایش بهره‌وری، ایجاد ثروت، رفاه و اشتغال زایی اشاره نمود (زارعی و همکاران، ۱۳۹۰).

هوش معنوی به شکل هشیاری ظاهر می‌شود و به شکل آگاهی همیشگی در حال رشد ماده، زندگی، بدن، ذهن، نفس و روح درمی‌آید. بنابراین هوش معنوی چیزی بیش از توانایی ذهنی فردی است و فرد را به ماوراء فرد و به روح، مرتبط می‌کند (سالاری، ۱۳۹۳).

ادواردز<sup>۴</sup> معتقد است داشتن هوش معنوی بالا با داشتن اطلاعاتی در مورد هوش معنوی متفاوت است. این تمایز فاصله میان دانش عملی و دانش نظری را مطرح می‌کند. لذا نباید داشتن دانش وسیع در مورد مسائل معنوی و تمرین‌های آنها را هم‌ردیف دستیابی به هوش معنوی از طریق عبادت و تعمق برای حل مسائل اخلاقی دانست. (محمدداودی، ۱۳۹۷).

هر چند که تحقیقات زیادی در حیطه رشد و تحول هوش معنوی صورت نگرفته است و نیازمند تحقیقات تجربی - کیفی است، ولی می‌توان گفت که استعداد این هوش در افراد مختلف، متفاوت است و در اثر برخورد با محیط‌های غنی که سؤالات معنوی را بر می‌انگیزاند، به تدریج تحول یافته و شکل می‌گیرد. به نظر می‌رسد سن و جنسیت نیز در هوش معنوی اثرگذار باشند. یونگ<sup>۵</sup> معتقد است که در بسیاری از افراد پس از ۳۵ سالگی تغییرات عمده‌ای در ناخودآگاه صورت می‌گیرد که ممکن است در روند معنویت و هوش معنوی تأثیرگذار باشند. همچنین بعضی از محققان، از جمله یونگ، معتقدند که در زنان این تحول متفاوت از مردان صورت می‌گیرد.

بنابراین هوش معنوی چیزی بیش از توانایی ذهنی فردی است و فرد را به ماوراء فرد و به روح، مرتبط می‌کند. علاوه بر این، هوش معنوی فراتر از رشد روانشناختی متعارف است. بدین جهت خودآگاهی شامل آگاهی از رابطه با موجود متعالی، افراد دیگر، زمین و همه موجودات می‌شود (نوری ثمرین، ۱۳۹۵).

آرام معتقد است هوش معنوی شامل حس معنا و داشتن مأموریت در زندگی، حس تقدس در زندگی، درک متعادل از ارزش ماده و معتقد به بهتر شدن دنیا می‌شود (آرام، ۲۰۰۸).

ویژگی‌هایی که لازمه هوش معنوی هستند، احتمالاً در کنار توانایی‌ها و فعالیت‌های دیگری قرار دارند که عبارتند از: دعاکردن، تعمق، رویاها و تحلیل رویا، باورها و ارزش‌های دینی و معنوی، شناخت و مهارت در فهم و تفسیر مفاهیم مقدس و توانایی داشتن حالات فراروندگی. به عنوان مثال، بعضی از حقایق قدیمی همانند آزار نرساندن که فضایل اخلاقی را مورد توجه قرار می‌دهند، ممکن است به عنوان روش‌هایی برای تقویت هوش معنوی مطرح باشند. همچنین مسائل معنوی ممکن است شامل مواردی از قبیل تفکر در مورد سؤالات وجودی مانند وجود زندگی پس از مرگ، جستجوی معنا در زندگی، علاقمندی به عبادت و تعمق مؤثر، رشد حس هدفمندی زندگی، رشد رابطه با خود، هماهنگی با قدرت برتر و نقش آن در زندگی خود باشد (نازل، ۲۰۰۴).

## کارآفرینی

در مورد تعریف کارآفرینی دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد و درک کامل مفهوم و موضوع کارآفرینی نیازمند اطلاع از دیدگاه‌های بین رشته‌ای می‌باشد. کارآفرینی برحسب ماهیت خود و توجه محققان رشته‌های مختلف از نظر روانشناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، صنعت و حتی تاریخی تعریف شده است.

واژه کارآفرینی از کلمه فرانسوی "Entrepreneurs" به معنای "متعهد شدن" نشأت گرفته است کارآفرینی اولین بار مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفت و تمامی مکاتب اقتصادی از قرن ۱۶ میلادی تا کنون به نحوی کارآفرینی را در نظریه‌های اقتصادی خویش تشریح نموده‌اند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۷).

کارآفرینی موتور تحول و توسعه اقتصاد، فرهنگ و جامعه است. رشد و فراگیری این پدیده می‌تواند به تحول و دگرگونی اساسی در اقتصاد ملی منجر شود. کارآفرینی فرآیندی است که طی آن فرد کارآفرین با ارائه ایده و فکر جدید ایجاد کسب و کار با قبول مخاطره و تحمل ریسک، محصول و خدمت جدید را ارائه می‌کند (سالاری، ۱۳۹۳).

کارآفرینی از مباحثی است که در تمامی ابعاد توسعه اقتصادی و اجتماعی از حدود ۲۰ سال به این طرف عملاً در دنیای تجارت و کسب و کار مطرح شده است، از جمله تعاریف کارآفرینی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

ژوزف شومپتر<sup>۱</sup> (۱۹۳۴) فرآیند کارآفرینی را "تخریب خلاق" می‌نامد. به عبارت دیگر ویژگی تعیین کننده در کارآفرینی همانا انجام کارهای جدید و یا ابداع روش‌های نوین در امور جاری است. روش نوین همان "تخریب خلاق" می‌باشد.

ریچارد کانتیلون<sup>۲</sup> (۱۷۳۰) اولین کسی بود که این واژه را در علم اقتصاد ابداع نمود و آن را این گونه تعریف نمود: کارآفرین فردی است که ابزار تولید را به منظور ترکیب به صورت محصولاتی قابل عرضه به بازار خریداری می‌کند. کارآفرین در هنگام خرید از قیمت نهایی محصولات اطلاع ندارد.

<sup>1</sup>- Edwards

<sup>1</sup>-YONG

<sup>2</sup>- Josephschumpeter

3- Richard cantillon

جان باپتیست سی<sup>۴</sup> (۱۸۰۳) کار آفرین را فردی می داند که مسئولیت تولید و توزیع فعالیت اقتصادی خود را بر عهده دارد. فرانک نایت<sup>۵</sup> (۱۹۲۱) کار آفرینان را کسانی می شناسد که در شرایط عدم قطعیت به اتخاذ تصمیم می پردازند و پیامدهای کامل آن تصمیمات را نیز شخصاً می پذیرند. طبق نظر کاسون<sup>۶</sup> (۱۹۸۲) کار آفرین فردی است که تخصص وی "تصمیم گیری عقلایی و منطقی در مورد ایجاد هماهنگی در منابع کمیاب" می باشد. وی "داشتن توان داوری و قضاوت" را عنصری مشترک در تمامی کار آفرینان تشخیص داده است.

## آموزش کارآفرینی

کارآفرینی فرایندی است برای تشخیص فرصت‌ها، جمع‌آوری منابع مورد نیاز برای بهره‌مندی از آن فرصت‌ها و شروع فعالیت اقتصادی جدید با هدف تولید کالا خدمت مورد نیاز مشتریان و کسب سود باید توجه نمود (پیکری فر، ۱۳۹۱). بر اساس تعریف یاد شده، کارآفرینی دارای ابعاد اساسی زیر است که بایستی در آموزش‌های کارآفرینی در سازمان مورد توجه و تاکید بسیار قرار بگیرد:

۱- سرچشمه‌های فرصت: سرچشمه‌های فرصت به منشأ و خاستگاه پیدایش یا ظهور فرصت اشاره دارد که از این منظر مواردی چون: تحلیل دنیای نیازها و قابلیت‌ها، شناخت مشکلات، بررسی روندهای محیطی، و موضوعات محوری اقتصادی مانند عرضه و تقاضا، پارادایم‌ها، الگوها و در نهایت مسائل بازار به عنوان سرچشمه‌های فرصت محسوب می‌شوند. راه ورود به سرچشمه‌های فرصت همان دنیای ایده‌پردازی‌ها و سیر در تخیلات است.

۲- تشخیص فرصت‌ها: مقوله‌ی تشخیص فرصت به صورت عمومی شامل دو نظریه‌ی کشف و خلق فرصت است که از منظر، از قبل موجود بودن یا خلق براساس دستکاری یک پدیده توسط انسان‌ها با هم تفاوت دارند. رویکردهای مختلفی مانند: جستجوی فعال، جستجوی انفعالی، کشف اتفاقی و ... برای تشخیص فرصت‌ها وجود دارد.

۳- بهره‌برداری از فرصت‌ها: به الگوهایی که کارآفرینان جهت بهره‌برداری از فرصت‌ها انتخاب و استفاده می‌کنند اشاره دارد. عوامل مختلفی مانند: ارزش سود مورد انتظار از فعالیت کارآفرینانه، هزینه‌ی کسب منابع لازم برای بهره‌برداری از فرصت‌ها، اطلاعات و تجربیات کاری کارآفرینان، دسترسی به شبکه‌ها و ... در بهره‌برداری از فرصت‌ها مؤثر هستند.

۴- خلق ارزش برای جامعه: خلق ارزش به مجموعه‌ی پی‌آمدها و نتایج فعالیت‌های کارآفرینانه گفته می‌شود که از جنبه‌ی رفع نیازهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و یادگیری برای جامعه مفید و سازنده هستند. خلق ارزش در پرتو ارزش‌های فرهنگی جامعه رخ می‌دهد.

۵- کارآفرینان (افراد و سازمان‌ها): به مجموعه افراد و سازمان‌های درگیر در تشخیص و بهره‌برداری از فرصت‌ها گفته می‌شود.

۶- محیط کارآفرینی: به زمینه و بستر پیدایش و تکامل فعالیت‌های کارآفرینانه گفته می‌شود. عوامل و منابع محیطی نقش اساسی در میزان فعالیت‌های کارآفرینانه ایفا می‌کنند (سلماسی و همکاران، ۱۳۹۷).

## کارآفرینی درون سازمانی

فرایندی است که کارآفرین تحت حمایت یک سازمان فعالیت‌های کارآفرینانه خود را به ثمر می‌رساند. با وجود این که کارآفرینی درون سازمانی به عنوان یک مفهوم، اخیراً در ادبیات مدیریت وارد شده، مفهومی است که به رویکرد کارآفرینی یک سازمان مرتبط بوده، ریشه در ادبیات کارآفرینی دارد (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۵).

فرائی<sup>۱</sup> معتقد است که کارآفرینی درون سازمانی، فرایندی است که محصولات (خدمات) یا فرایندهای نوآورانه به وسیله خلق فرهنگ کارآفرینانه در یک سازمان ایجاد می‌گردد. کارآفرینی درون سازمانی برای موفق بودن، باید از منظر مدیریت استراتژیک تحقق یابد. کارآفرینی درون سازمانی باید بخشی از طرح‌های گسترده استراتژیک یک سازمان و بخش مکمل اجرای این طرح باشد. برای تحقق کارآفرینی درون سازمانی از منظر مدیریت استراتژیک، سه دلیل وجود دارد:

نخست: کارآفرینی درون سازمانی بر عملکرد بلند مدت سازمانی بویژه انطباق و بقا بیش‌ترین تأثیر را دارد. از آن جا که این‌ها معیارهایی هستند که زیر بنای مدیریت استراتژیک را شکل می‌دهند و باید فرایند کارآفرینی در یک سازمان را در سطح استراتژیک آغاز کرد، یک

<sup>4</sup> Jconbaptistesay-

<sup>5</sup>- Frankknijht

<sup>1</sup> - Kasvn

<sup>2</sup>-Fra

رویکرد کارآفرینی مدیریت استراتژیک به سازمان اجازه می دهد تا با آمادگی بهتر به تغییر در محیط بیرونی واکنش نشان دهد، در طول زمان سازگار شده، ادامه حیات دهد.

دوم: هر رویه سازمانی که نیازمند پذیرش گسترده ای باشد، باید مورد قبول مدیریت ارشد سازمان قرار گیرد. ادغام کارآفرینی درون سازمانی و فرایند مدیریت استراتژیک، به ایجاد یک نوع تعهد کمک می کند. اگر قرار است کارآفرینی موفق باشد، باید در تمام سطح سلسله مراتب سازمانی مشهود باشد.

سوم: کارآفرینی درون سازمانی در برگیرنده اعمالی است که بخشی از طرح های استراتژیک یک سازمان محسوب می شود. توسعه محصولات و خدمات جدید، نوآوری در محصولات و خدمات و همچنین ایجاد واحد و شعبات جدید، همگی نتایج سازمان کارآفرین است (باقری و همکاران، ۱۳۹۷).

### در ادامه به برخی از پژوهش های انجام گرفته در داخل و خارج کشور اشاره می شود:

(لطفی و امینی، ۱۳۹۷) پژوهشی تحت عنوان (بررسی رابطه بین تفکر انتقادی و کنترل و ادراک عواطف خود و دیگران از هوش هیجانی در دانشجویان) انجام داده اند که نتایج نشان داد: بین مولفه کنترل عواطف و ادراک عواطف خود و دیگران از هوش هیجانی و تفکر انتقادی در دانشجویان همبستگی معناداری وجود دارد.

(حسینی و همکاران، ۱۳۹۷) تحقیقی تحت عنوان (چارچوبی برای توسعه کارآفرینی دانشگاهی در رشته های علوم انسانی در ایران) انجام داده اند نتایج نشان داد: ۷ بعد فرهنگ کارآفرینی شامل نقش دولت، ساختار، دانشگاه ها، شیوه آموزشی دانشگاه، تحقیق و تجاری سازی، ارتباطات بیرونی و زیر ساخت عالی برای توسعه دانشگاه کارآفرین در حوزه علوم انسانی شناسایی شد.

(محمد داودی، ۱۳۹۷) پژوهشی تحت عنوان (بررسی رابطه بین هوش معنوی با روحیه کارآفرینی دانشجویان رشته پرستاری شهرستان ساوه) انجام داد که نتیجه نشان داد: بین هوش معنوی و ابعاد آن با روحیه کارآفرینی دانشجویان رشته پرستاری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

(عبدالله زاده سلماسی و همکاران، ۱۳۹۷) تحقیقی تحت عنوان (نقش مراکز آموزش عالی در اشتغال و کارآفرینی) انجام داده اند که نتایج نشان داد: آموزش در دانشگاه های کارآفرین نقش بسیار مهمی را ایفا می کند که موانعی بر سر راه این آموزش ها می باشد. از جمله: ضعف آموزش عالی، عدم توجه به آموزش در حین کار عدم امنیت برای سرمایه گذاری

(میرزاصفی و یعقوبی، ۱۳۹۶) پژوهشی تحت عنوان (بررسی رابطه بین سبک های تفکر و میزان خلاقیت با قابلیت های کارآفرینی دانشجویان تحصیلات تکمیلی در دانشگاه بوعلی سینا همدان) انجام داده اند که نتایج نشان داد: سبک های تفکر مولد می توانند پیش بینی کننده میزان خلاقیت و قابلیت های کارآفرینی دانشجویان باشند.

(عزیزی و همکاران، ۱۳۹۵) پژوهشی تحت عنوان (بررسی رابطه بین گرایش به تفکر انتقادی و جهت گیری هدف پیشرفت با ویژگی های کارآفرینی دانشجویان) انجام داده اند که نتایج نشان داد: گرایش به تفکر انتقادی و جهت گیری هدف پیشرفت ارتباط معناداری با ویژگی های کارآفرینی دارد.

(سالاری، ۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان بررسی ارتباط بین هوش معنوی و کارآفرینی سازمانی کارکنان بانک تجارت استان هرمزگان با این نتایج دست یافت که بین هوش معنوی و کارآفرینی سازمانی رابطه معنا داری وجود دارد.

مالی والکر (۲۰۱۸) بر روی ۶۵۰ دانشجو نشان داد که آموزش مبتنی بر تیم ۳ نسبت به آموزش مبتنی بر سخنرانی در ارتقای میزان مهارت های تفکر انتقادی دانشجویان موثر است.

کارلتون و دیگران (۲۰۱۷) بر روی ۲۷ مطالعه که با هدف بررسی ارتباط بین مهارت های تفکر انتقادی با عملکرد تحصیلی دانشجویان صورت گرفت نشان داد که بین موفقیت آموزشی دانشجویان و تفکر انتقادی رابطه متوسطی وجود دارد.

(اچ جی دین و همکاران، ۲۰۱۵) پژوهشی تحت عنوان (بررسی میزان اثر بخشی برنامه های آموزش کارآفرینی در دانشجویان یک دانشگاه دولتی در مالزی) انجام داده اند که نتایج نشان داد: که متغیرهای طرح کسب و کار، تفکر ریسک پذیر و خودکارآمدی به میزان قابل توجهی بر اثر بخشی برنامه کارآفرینی موثرند، در حالی که متغیرهای نیاز به موفقیت و منبع کنترل چندان موثر نیستند.

(اودورا، آرجی، ۲۰۱۵) پژوهشی تحت عنوان (بررسی اثرات پروژه های طراحی محصول، در نوآوری و مهارت های کارآفرینی در دانشجویان طراحی و مهندسی در آفریقای جنوبی) انجام داده اند که نتایج نشان داد: پروژه طراحی محصول به توسعه نگرش مثبت و علاقه به کارآفرینی کمک می کند و دارای یک اثر معنی داری بر مشاغل دانشجویان طراحی و مهندسی در آفریقای جنوبی می باشد.

(هاکان و همکاران، ۲۰۱۲) پژوهشی تحت عنوان (مقایسه گرایش به تفکر انتقادی دانشجویان سال اول و آخر رشته های ریاضیات و زبان ترکی) انجام داده اند که نتایج نشان داد: میان دانشجویان سال اول و آخر همچنین دانشجویان دختر پسر در گرایش به تفکر انتقادی تفاوت معناداری وجود ندارد.

(آبرانکی و سمرکویز، ۲۰۱۱) پژوهشی تحت عنوان (تأثیر هوش هیجانی و هوش معنوی بر عملکرد مالی سازمان در شرکت های ترکیه ای) انجام دادند که نتایج نشان داد: بین عوامل هوش هیجانی و هوش معنوی ارتباطی وجود دارد. اما تأثیر هوش معنوی و حالت روحانی بر عملکرد مالی سازمان ضعیف می باشد.

**با توجه به سوال اصلی پژوهش (آیا بین تفکر انتقادی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان مازندران با میزان کارآفرینی و هوش معنوی آنان رابطه وجود دارد؟) فرضیه های زیر مطرح شد:**

- ۱- بین تفکر انتقادی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان مازندران با کارآفرینی آنان رابطه وجود دارد.
- ۲- بین تفکر انتقادی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان مازندران با هوش معنوی آنان رابطه وجود دارد.
- ۳- بین کارآفرینی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان مازندران با هوش معنوی آنان رابطه وجود دارد.
- ۴- میزان کارآفرینی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان مازندران بر اساس مولفه جنسیت متفاوت است.
- ۵- میزان تفکر انتقادی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان مازندران بر اساس مولفه جنسیت متفاوت است.
- ۶- میزان هوش معنوی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان مازندران بر اساس مولفه جنسیت متفاوت است.

## روش پژوهش

روش پژوهش مورد استفاده در این پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی و از نظر هدف کاربردی می باشد. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشگاه فرهنگیان مازندران به تعداد ۳۸۰ نفر می باشد. نمونه آماری مورد مطالعه در این پژوهش بر مبنای جدول کرجسی و مورگان منطبق بر جامعه تحقیق ۳۲۷ نفر و روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای بر اساس جنسیت می باشد. جهت گردآوری اطلاعات در این پژوهش از روش کتابخانه ای و میدانی استفاده شد. ابزار گردآوری اطلاعات: پرسشنامه مهارت های تفکر انتقادی کالیفرنیا فرم (ب) حاوی ۳۴ سوال چند گزینه ای با یک پاسخ صحیح در پنج حوزه مهارت های تفکر انتقادی شامل ارزشیابی، استنباط، تحلیل، استدلال قیاسی و استدلال استقرایی است. مدت زمان پاسخگویی به آزمون ۴۵ دقیقه بوده و امتیاز نهایی آزمون ۳۴ و امتیاز کسب شده در هر بخش از آزمون بین ۰ تا ۱۶ متغیر می باشد؛ به طوری که در بخش ارزشیابی حداکثر ۱۴ امتیاز، در بخش تحلیل حداکثر ۹ امتیاز، در بخش استنباط حداکثر ۱۱ امتیاز، در بخش استدلال قیاسی حداکثر ۱۶ امتیاز و در بخش استدلال استقرایی حداکثر ۱۴ امتیاز تنظیم شده است. بدین ترتیب برای هر فرد شش نمره، شامل یک نمره کل تفکر انتقادی و ۵ نمره مهارت های تفکر انتقادی محاسبه گردید. پرسشنامه استاندارد هوش معنوی اسمیت (۲۰۰۵) که دارای (۴۲) سوال که گویه های آن از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم می باشد. که حداقل نمره در پرسشنامه ذکر شده (۴۲) متیاز و حداکثر نمره آن (۲۱۰) امتیاز می باشد.

پرسشنامه استاندارد کار آفرینی مارگ ریت

هیل (۲۰۰۶) که دارای ۱۳ سوال که گویه های آن از خیلی زیاد تا خیلی کم می باشد. که حداقل نمره در پرسشنامه ذکر شده (۱۳) امتیاز و حداکثر نمره آن ۶۵ امتیاز می باشد.

باتوجه به اینکه ابزار مورد استفاده استاندارد می باشد و از روایی لازم برخوردار هستند و محقق برای اطمینان پرسشنامه ها را در اختیار اساتید قرار داد و بدین ترتیب روایی صوری و محتوایی ابزار ها مورد تایید قرار گرفت. پایایی با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ صورت گرفته است. که ضریب پایایی برای گویه های همه متغیرها ۰.۸۱ بدست آمده است نشان می دهد که گویه های مربوطه ۸۱ درصد متغیر مزبور را می سنجد که میزان پایایی قابل قبولی می باشد. در واقع نتایج این آزمون نشان می دهد ابزار طراحی شده برای سنجش متغیرهای تحقیق مناسب است.

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات در این پژوهش از نرم افزار SPSS استفاده شد که در آن برای بخش آمار توصیفی از جداول توزیع فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد و نمودار های ستونی استفاده شده و در بخش آمار استنباطی نیز با توجه به سطح سنجش متغیرها از آزمون نرمالیتی داده ها و آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن و آزمون یومن وایتنی استفاده شده است.

## یافته های پژوهش

فرضیه اصلی: بین تفکر انتقادی با هوش معنوی و میزان کارآفرینی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان رابطه وجود دارد.

جدول شماره (۱): نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف یک نمونه ای برای پذیره نرمال بودن

| متغیر           | حجم نمونه | آماره آزمون | p-value |
|-----------------|-----------|-------------|---------|
| هوش معنوی       | ۳۲۷       | ۰,۱۲۱       | ۰,۰۰۰   |
| روحیه کارآفرینی | ۳۲۷       | ۰,۱۶۴       | ۰,۰۰۰   |
| تفکر انتقادی    | ۳۲۷       | ۰,۱۳۸       | ۰,۰۰۰   |

آزمون کولموگروف-اسمیرنوف جهت بررسی نرمال بودن منحنی توزیع استفاده می گردد با توجه به جدول شماره (۱) که سطح معناداری (p-value) محاسبه شده نشان می دهد که توزیع داده ها نرمال نمی باشد بنابراین به منظور تعیین تفاوت بین دو گروه از آزمون ناپارامتری یومان ویتنی استفاده شده است.

جدول شماره (۲): ضرایب همبستگی بین متغیر تفکر انتقادی و میزان کارآفرینی دانشجویان

| متغیر        | کارآفرینی    |  |  | وجود ارتباط | نوع ارتباط |
|--------------|--------------|--|--|-------------|------------|
|              | همبستگی      |  |  |             |            |
| تفکر انتقادی | اسپیرمن      |  |  | دارد        | مستقیم     |
|              | ضریب همبستگی |  |  |             |            |
|              | p-value      |  |  |             |            |
|              | ۰,۲۱۷        |  |  |             | ۳۲۷        |

با توجه به جدول (۲) نتایج حاصل از آزمون همبستگی اسپیرمن در سطح معناداری (۰,۰۰۱) کوچکتر از سطح معناداری (۰/۰۵) جدول می باشد بنابراین با سطح اطمینان ۹۵ درصد بین متغیرهای تفکر انتقادی با کار آفرینی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان مازندران رابطه معناداری وجود دارد و با در نظر گرفتن ضریب همبستگی محاسبه شده (۰,۲۱۷) می توان گفت بین دو متغیر، همبستگی مستقیم و مثبت وجود دارد. لذا فرضیه صفر رد و فرضیه تحقیق پذیرفته یا تایید می شود.

جدول شماره (۳): ضرایب همبستگی بین متغیر تفکر انتقادی و میزان هوش معنوی دانشجویان

| متغیر        | هوش معنوی    |         |       | وجود ارتباط | نوع ارتباط |
|--------------|--------------|---------|-------|-------------|------------|
|              | همبستگی      |         |       |             |            |
| تفکر انتقادی | اسپیرمن      |         |       | دارد        | مستقیم     |
|              | ضریب همبستگی | p-value | تعداد |             |            |
|              | ۰,۱۹۸        | ۰,۰۰۴   | ۳۲۷   |             |            |

با توجه به جدول (۳) نتایج حاصل از آزمون همبستگی اسپیرمن در سطح معناداری (۰,۰۰۴) کوچکتر از سطح معناداری (۰/۰۵) جدول می باشد بنابراین با سطح اطمینان ۹۵ درصد بین متغیرهای تفکر انتقادی با هوش معنوی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان مازندران رابطه معناداری وجود دارد و با در نظر گرفتن ضریب همبستگی محاسبه شده (۰,۱۹۸) می توان گفت بین دو متغیر، همبستگی مستقیم و مثبت وجود دارد. لذا فرضیه صفر رد و فرضیه تحقیق پذیرفته یا تایید می شود.

جدول شماره (۴): ضرایب همبستگی بین متغیر کارآفرینی و میزان هوش معنوی دانشجویان

| متغیر     | کارافرینی    |         |       | وجود ارتباط | نوع ارتباط |
|-----------|--------------|---------|-------|-------------|------------|
|           | همبستگی      |         |       |             |            |
| هوش معنوی | اسپیرمن      |         |       | دارد        | مستقیم     |
|           | ضریب همبستگی | p-value | تعداد |             |            |
|           | ***۰,۱۵۸     | ۰,۰۰۳   | ۳۲۷   |             |            |

با توجه به جدول (۴) نتایج حاصل از آزمون همبستگی اسپیرمن در سطح معناداری (۰,۰۰۳) کوچکتر از سطح معناداری (۰/۰۵) جدول می باشد بنابراین با سطح اطمینان ۹۵ درصد بین متغیرهای کارآفرینی و میزان هوش معنوی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان مازندران رابطه معناداری وجود دارد و با در نظر گرفتن ضریب همبستگی محاسبه شده (۰,۱۵۸) می توان گفت بین دو متغیر، همبستگی مستقیم و مثبت وجود دارد. لذا فرضیه صفر رد و فرضیه تحقیق پذیرفته یا تایید می شود.

جدول (۵): جدول آزمون یومان ویتنی برای بررسی تفاوت میانگین روحیه کارآفرینی در بین دو گروه از دانشجویان دختر و پسر

| جنسیت | حجم نمونه | میانگین رتبه | من ویتنی | ویلکسون وی | مقدار Z | سطح معناداری |
|-------|-----------|--------------|----------|------------|---------|--------------|
| پسر   | ۱۷۷       | ۱۸۴,۵        | ۹۶۳۹,۵   | ۲۰۹۶۴,۵    | -۴,۲۷۷  | ۰/۰۰۰        |
| دختر  | ۱۵۰       | ۱۳۹,۷        |          |            |         |              |

همان گونه در جدول (۵) ملاحظه می شود، نتایج آزمون یومان ویتنی گویای آن است که میانگین میزان کارآفرینی بین دانشجویان پسر و دختر، (دختر ۱۳۹,۷ و پسر ۱۸۴,۵)، تفاوت معناداری با یکدیگر داشته و این دو گروه با سطح اطمینان ۹۵ درصد در میزان کارآفرینی با هم متفاوت هستند. بنابراین فرض صفر تحقیق رد و فرضیه تحقیق تایید می شود. یعنی میزان کارآفرینی در دانشجویان پسر بیشتر از دانشجویان دختر بوده است.

جدول (۶): جدول آزمون یومان ویتنی برای بررسی تفاوت میانگین میزان تفکر انتقادی در بین دو گروه از دانشجویان دختر و پسر

| جنسیت | حجم نمونه | میانگین رتبه | من ویتنی | ویلکسون وی | مقدار Z | سطح معناداری |
|-------|-----------|--------------|----------|------------|---------|--------------|
| پسر   | ۱۷۷       | ۱۶۵,۵        | ۱۲۹۹۹    | ۲۴۳۲۴      | -۰,۳۲۵  | ۰/۷۴۵        |
| دختر  | ۱۵۰       | ۱۶۲,۱        |          |            |         |              |

همان گونه که در جدول (۶) ملاحظه می شود، نتایج آزمون یومان ویتنی گویای آن است که میانگین میزان تفکر انتقادی دو گروه از دانشجویان با جنسیت متفاوت (دختر ۱۶۲,۱ و پسر ۱۶۵,۵)، تفاوت معناداری با یکدیگر نداشته و این دو گروه با سطح اطمینان ۹۵ درصد در میزان تفکر انتقادی با هم مشابه هستند. بنابراین فرض صفر تحقیق تایید و فرضیه تحقیق رد می شود.

جدول (۷): جدول آزمون یومان ویتنی برای بررسی تفاوت میانگین میزان هوش معنوی در بین دو گروه از دانشجویان دختر و پسر

| جنسیت | حجم نمونه | میانگین رتبه | من ویتنی | ویلکسون وی | مقدار Z | سطح معناداری |
|-------|-----------|--------------|----------|------------|---------|--------------|
| پسر   | ۱۷۷       | ۱۷۷,۹۴       | ۱۰۸۰۸,۵  | ۲۲۱۳۳,۵    | -۲,۸۹۹  | ۰/۰۰۴        |
| دختر  | ۱۵۰       | ۱۴۷,۵        |          |            |         |              |

همان گونه در جدول (۷) مشاهده می شود، نتایج آزمون یومان ویتنی گویای آن است که میانگین میزان هوش معنوی دو گروه از دانشجویان با جنسیت متفاوت (دختر ۱۴۷,۵ و پسر ۱۷۷,۹۴)، تفاوت معناداری با یکدیگر داشته و این دو گروه با سطح اطمینان ۹۵ درصد در میزان هوش معنوی با هم متفاوت هستند. بنابراین فرض صفر تحقیق رد و فرضیه تحقیق تأیید می شود. یعنی میزان هوش معنوی در دانشجویان پسر بیشتر از دانشجویان دختر بوده است.

## بحث و نتیجه گیری

مفهوم هوش معنوی دربردارنده نوعی سازگاری و رفتار حل مسأله است که بالاترین سطوح رشد را در حیطه‌های مختلف شناختی، اخلاقی، هیجانی، بین فردی و ... شامل می‌شود و فرد را در جهت هماهنگی با پدیده‌های اطرافش و دستیابی به یکپارچگی درونی و بیرونی یاری می‌نماید. این هوش به فرد دیدی کلی در مورد زندگی و همه تجارب و رویدادها می‌دهد و او را قادر می‌سازد به چارچوب‌بندی و تفسیر مجدد تجارب خود پرداخته، شناخت و معرفت خویش را عمق بخشد. فرد دارای آنچه به عنوان اصول اساسی در دین مطرح است (مثل دستیابی به وحدت در ورای کثرت ظاهری، یافتن پاسخ در مورد مبدأ هستی و تشخیص الگوهای معنوی و تنظیم رفتار بر مبنای آنها) محورهای اصلی هوش معنوی را نیز شامل می‌شود. قابل ذکر است روش‌های هوش معنوی (مثل مراقبه، پرورش خودآگاهی در ادیان مختلف به ویژه آموزه‌های دین اسلام جایگاه بسزایی دارد.

جامعه ایرانی در مقایسه با جوامع غربی جامعه‌ای به شدت معنوی است. اگر به سؤال‌هایی که در سنجش هوش معنوی استفاده شده توجه شود این نکته را در می‌یابیم که اگر چه ممکن است در جوامع دیگر این نوع سؤالات با نمرات پایینی مواجه شود ولی در فرهنگی ایرانی اسلامی، این سؤالات از طرف مردم نمرات بالایی دریافت می‌کند، گو اینکه به زعم محقق اگر همین سؤالات از مردم عادی هم پرسیده شود، نمرات بالایی می‌آورد. مسائل معنوی که ممکن است از طرف مردم کشورهای غربی مسائلی عجیب و غریب و نامأنوس بنظر برسد از نظر مردم ایران مسائل بسیار بدیهی و آشنا هستند. بنابراین نمره بالای هوش معنوی را می‌توان از این زاویه مورد مذاقه قرار داد. از طرف دیگر اگر به ادبیات معنویت نگاهی بیندازیم متوجه می‌شویم که معنویت بیشتر از آن که امری بین فردی باشد، امری درون فردی است. پارادایم عقلایی که در طول ۴۰۰ سال گذشته بر نظام فکری غرب حاکم بوده است، بین دنیای درون و دنیای بیرون انسان‌ها، تفاوت قائل می‌شده‌اند. در حقیقت پژوهش در مورد معنویت راهی بود به درون انسان‌ها، بنابراین معنویت به امر درونی در انسان‌هاست نه به امر بیرونی. لذا معنویت بیشتر از آن که در امور بین فردی تأثیرگذار باشد (مثل هوش عاطفی) در امور فردی تأثیرگذار است.

هوش معنوی هوشیاری کامل درونی، آگاهی عمیق از جسم، ماده، روان و معنویت است و می‌توان آن را به مفهوم آگاهی از معنویت به عنوان زمینه‌ای از وجود یا به عنوان نیروی زندگی خلاق از تکامل دانست. از سویی دیگر، با توجه به سرعت فزاینده تغییر و تحولات در عصر حاضر، دانشگاه‌ها باید خود سرچشمه‌ای برای موج تغییر و تحول باشند، نه اینکه در انتظار موج بنشینند و این مهم جز بکارگیری و حمایت از دانشجویان خلاق، نوآور و کارآفرین حاصل نخواهد شد. امروزه این نگرش به وجود آمده است که سرمایه اصلی دانشگاه‌های آینده از فارغ التحصیلان کارآفرین تامین خواهد شد. دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی باید آموزش و مهارت‌های لازم را جهت توسعه کارآفرینی و فرهنگ سازی در دستور کار خود قرار دهند. آموزش‌های کارآفرینی موجب می‌شود تا نگرش کارآفرینانه افراد دچار تغییر شود و این نقطه اتکایی است تا از طریق این آموزش‌ها بتوان نگرش کارآفرینانه افراد را تقویت کرد و به سمت رفتار کارآفرینانه سوق داد. ما باید با آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها «فرهنگ کارآفرینانه» را در میان قشرهای دانشگاهی پیشرفت دهیم که در روند توسعه صنعتی کشور ایجاد تحولی داشته باشیم. به همین دلیل است که در بسیاری از کشورها به ویژه کشورهای پیشرفته که حد امکان موانع و مشکلات برطرف شده‌اند دولت‌ها به شکوف کردن توان بالقوه مردم پرداخته‌اند.

در پژوهش‌های متعددی تأثیر مثبت هوش معنوی و کارآفرینی دانشجویان نتیجه گرفته شده است، بدین صورت افرادی که دارای سطح بالاتری از تفکر انتقادی می‌باشند، میزان کارآفرینی و هوش معنوی بیشتری از خود نشان می‌دهند. از این رو ضروری است تا نسبت به انجام اقداماتی در راستای ارتقاء تفکر انتقادی افراد بویژه دانشجویان کوشید.

به طور کلی نتیجه محاسبات آماری نشان داده است:

بین تفکر انتقادی و میزان کارآفرینی دانشجویان رابطه وجود دارد. بنابراین پیشنهاد می‌شود از بروشورها، پوسترها و عکس‌ها در زمینه تقویت شاخص‌های کارآفرینی و مؤلفه‌های آن در ادارات و دانشکده‌های مختلف استفاده گردد.

بین تفکر انتقادی و میزان هوش معنوی دانشجویان رابطه وجود دارد. بنابراین پیشنهاد می‌شود که افراد و خانواده‌ها، نهایت سعی خود را جهت افزایش هوش معنوی فرزندان خود به عمل آورند.

بین کارآفرینی و میزان هوش معنوی دانشجویان رابطه وجود دارد. بنابراین پیشنهاد می‌شود که کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی - فرهنگی کافی و مناسب در زمینه اصول هوش معنوی در میان دانشجویان به منظور تقویت معنویت دانشجویان برگزار شود.

میزان روحیه کارآفرینی بین دانشجویان پسر و دختر تفاوت معناداری وجود دارد. بنابراین پیشنهاد می‌شود که اساتید دانشگاه‌ها باید دانشجویان متعدد و متفاوت را در زیر چتر فکر و نظر واحدی گرد آورند و افراد خلاق و کارآفرین را پرورش دهند. این امر در پرورش بعد ابتکارات فردی بسیار مؤثر می‌باشد. الهام و القای تصویر خوش بینانه درباره آینده در دانشجویان منبع انگیزش و تحریک کافی برای حرکت در مسیر هدف‌های پیش رو را پدید می‌آورد که باعث تقویت روحیه کارآفرینی می‌شود.

میزان تفکر انتقادی بین دانشجویان پسر و دختر تفاوت معناداری وجود ندارد. بنابراین پیشنهاد می شود که روسای دانشگاه ها و اساتید باتجربه در جهت تقویت تفکر انتقادی باید گام به گام حرکت کنند. چون فرایند ایجاد تفکر انتقادی یک فرایند یک روزه نیست که بتوان مانند یک تکنولوژی جدید آن را به سرعت وارد حیطه دانش نمود، بلکه یک فرایند مداوم و زمان بر است.

میزان هوش معنوی بین دانشجویان پسر و دختر تفاوت معناداری وجود دارد بنابراین پیشنهاد می شود که نهاد هادی فرهنگی در دانشگاه ها با ارائه برنامه های متنوع معنوی و مذهبی شرایط تبدیل هوش معنوی دانشجویان را از حالت بالقوه به بالفعل مهیا سازند.

## منابع

- رستمی و همکاران (۱۳۹۲). بررسی هوش معنوی با سلامت عمومی در بین دانشجویان پسر و دختر مقطع کارشناسی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران - ایران - فصل نامه علمی پژوهشی رفاء اجتماعی سال چهاردهم شماره پنجاه و سوم -زارعی متین، حسن و مهدی خیراندیش، حوریه جهانی (۱۳۹۰). شناسایی و سنجش مؤلفه های هوش معنوی در محیط کار؛ مطالعه موردی در بیمارستان لبافینژاد تهران، پژوهشهای مدیریت عمومی، سال چهارم، شماره دوازدهم، صفحه ۷۱-۹۴
- سالاری، اسماعیل (۱۳۹۳)، بررسی ارتباط بین هوش معنوی و کار آفرینی سازمانی کارکنان بانک تجارت استان هرمزگان، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه هرمزگان
- سفیری، خدیجه؛ میرسندسی، محمد؛ عمو عبدالهی، فاطمه (۱۳۹۵). بررسی رابطه تفکر انتقادی و ابعاد اصلی دینداری در بین دانشجویان کارشناسی ارشد، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۵، شماره ۳، ص ۴۵۷-۴۸۴
- امینی، زهرا؛ لطفی، صدیقه (۱۳۹۷). بررسی رابطه تفکر انتقادی و خوش بینی در دانشجویان، سومین کنفرانس توانمند سازی جامعه در حوزه علوم انسانی و مطالعات روانشناسی.
- لطفی، صدیقه؛ امینی، زهرا (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین تفکر انتقادی و کنترل و ادراک عواطف خود و دیگران از هوش هیجانی در دانشجویان، سومین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی و مطالعات اجتماعی ایران
- عزیزی، سیدمحسن؛ زارع، حسین؛ الماسی، حجت اله (۱۳۹۵). رابطه بین گرایش به تفکر انتقادی و جهت گیری هدف پیشرفت با ویژگی های کارآفرینی دانشجویان، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، دوره ۱۶، شماره ۲۴، ص ۲۰۰-۲۰۹
- برزگر بغروی، کاظم؛ فرزین، سمیرا؛ زارع، مریم (۱۳۹۸). نقش راهبردهای فراشناختی خواندن در پیش بینی تفکر انتقادی دانشجو معلمان شهر شیراز، فصلنامه تازه های علوم شناختی، دوره ۲۱، شماره ۱
- نعمتی، فرنصرالله؛ رضوی، سید علی محمد (۱۳۹۷). مهارت های شناختی تفکر انتقادی در کاربران شبکه های اجتماعی تلگرام، مطالعات رسانه سال سیزدهم.
- محمداودی، امیرحسین (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین هوش معنوی با روحیه کارآفرینی دانشجویان رشته پرستاری شهرستان ساوه، فصلنامه مطالعات منابع انسانی، سال هشتم، شماره ۲۷، ص ۵۷-۷۶
- نوری ثمرین، شهرام (۱۳۹۵). رابطه بین هوش معنوی و هوش هیجانی با خودکارآمدی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول، فصلنامه روانشناسی و دین، سال نهم، شماره اول، ص ۱۰۷-۱۲۲
- میرزاصفی، اعظم؛ یعقوبی، ابوالقاسم (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین سبک های تفکر و میزان خلاقیت با قابلیت های کارآفرینی دانشجویان تحصیلات تکمیلی در دانشگاه بوعلی سینا همدان، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، دوره ۲۳، شماره ۲، ص ۱۴۷-۱۳۳
- باقری مجد، روح الله، مهدی پور، یوسف، باقری مجد، عادل (۱۳۹۷). تاثیر رهبری کارآفرینی بر رفتار نوآورانه با نقش میانجی محرک های نوآورانه در آموزش عالی، فصلنامه توسعه کارآفرینی، دوره ۱۱، شماره ۴، ص ۷۵۸-۷۳۹
- حسینی، سید رسول، طبائیان، سید کمال، گودرزی، ریحانه (۱۳۹۷). چارچوبی برای توسعه کارآفرینی دانشگاهی در رشته های علوم انسانی در ایران. فصلنامه توسعه کارآفرینی، دوره ۱۱، شماره ۳، ص ۶۷۶-۶۶۱.
- عبدالله زاده سلماسی، علی مسعود انوری و سبحان شریفی، (۱۳۹۷) نقش مراکز آموزش عالی در اشتغال و کارآفرینی، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی
- پیکری فر، فاطمه (۱۳۹۱) بررسی نقش دانشگاه هادر توسعه کارآفرینی، کنفرانس های کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان.
- مارزینو، رابرت جی و دیگران (۱۳۸۰). ابعاد تفکر در برنامه ریزی درسی و تدریس، ترجمه قدسی احقر، انتشارات یسطرون، تهران
- یزدان پناه نودری، علی (۱۳۸۵). طراحی الگوی برنامه درسی برای پرورش منش های تفکر دانش آموزان. پایان نامه (دکتری) استاد راهنما محمود مهر محمدی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران
- شعبانی، حسن (۱۳۸۲). روش تدریس پیشرفته (آموزش مهارتها و راهبردهای تفکر)، انتشارات سمت تهران
- شعبانی، حسن (۱۳۷۸). تأثیر روش حل مسأله به صورت کار گروهی بر تفکر انتقادی، پایان نامه دکترا دانشگاه تربیت مدرس، تهران

- Amram, J. Y. & Dryer, D. Christopher. (2008). The Integrated Spiritual Intelligence Scale (ISIS): Development And Preliminary Validation. Institute Of Transpersonal Psychology, Palo Alto, CA. 116th Annual Conference Of The American Psychological Association.
- Nasel, D. D. (2004). Spiritual Orientation in Relation to Spiritual Intelligence: A consideration of traditional Christianity and New Age/individualistic spirituality. Thesis submitted for the degree of Ph. D in The University of South Australia, Division of Education, Arts and Social Sciences, School of Psychology.
- Hj Din, Badariah&Abdul Rahim Anuar & mriana usmam(2015) the Effectiveness of the Entrepreneurship Education program in Upgrading Entrepreneurial skills Among Public University students, Precardia- social and Behavioral sciences (224) : 117-123
- Odora, R.J.,(2015) Integrating product Design and Entrepreneurship Education : Astimulant for Enterprising Design and Engineering students in south Africa procardia Technology, (20): 276-283 .
- Molly, Espey& Walker E. John. (2018) Enhancing critical thinking using team-based learning Higher Education Research and Development volume 37, issue 1,2 jannuary 2018 pages 15-29.
- Carlton J,Fong kim y. Davis, C.W Hoang T.Kim Y.W.(2017)A. meta analysis on critical thinking and community college thinking skills and creativity volume 26 December 2017 pages 71-83.
- Differentiating and Balancing Nine Types of Engagement. Educational Management Administration & Leadership, 38(4), 405-422 .
- Hakan, T.; Hakan, K. & Yildizotan, U. (2012). Comparison of the faculty of education student's critical thinking disposition. Social & Behavioral Sciences, 46, 2020-2024.